

تحلیل تشبیه و جایگاه آن در شعر شفیعی کدکنی^۱

حجت الله بهمنی مطلق^۲



تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲

چکیده

مهم‌ترین شگرد و زیربنای همه‌ی شگردهای تصویرآفرینی در شعر تشبیه است. بنابراین تحلیل تشبیه می‌تواند برای شناخت وجوه زیبایی و درک مفهوم شعر و همچنین نگرش و گرایش و سبک شعری شاعر مفید باشد. در این مقاله ما تشبیه‌ها شعر شفیعی کدکنی را از دو مجموعه‌ی شعری وی استخراج کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم تا از این طریق بخشی از وجوه هنری، گرایش‌های فکری، نوآوری‌های ادبی و ویژگی‌های سبکی شعرشان کشف شود. برای این منظور ابتدا به طبقه‌بندی تشبیه‌ها طبق بلاغت سنتی پرداختیم، سپس تشبیه‌ها کلیشه‌ای و مستعمل و تشبیه‌ها نو را شناسایی و بررسی کردیم. پس از طبقه‌بندی و تحلیل مشابهه‌ها در هشت حوزه‌ی معنایی، دو ویژگی شاخص تشبیه‌ها یعنی جانب موسیقایی تشبیه‌ها و طبیعت‌گرایی در تشبیه‌ها را بررسی کردیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شفیعی کدکنی سخت دل‌بسته‌ی طبیعت است و عنصر موسیقی شعر بویژه موسیقی درونی برایش بسیار اهمیت دارد تا جایی که در بسیاری از تشبیه‌ها در انتخاب لفظ مشبه و مشبه‌به تلاش می‌کند جنبه‌ی موسیقایی الفاظ رعایت شود.

واژگان کلیدی: شعر معاصر. شفیعی کدکنی. تشبیه. حوزه‌ی معنایی مشبه‌به

۱ - استخراج شده از طرح پژوهشی اجرا شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.

۲ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق. h.bahmanimotlagh@yahoo.com

در صورت‌های مختلف به بیان درمی‌آورد.» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۸۱) ما در این مقاله تشبیه‌ها شعر شفيعی را از دو مجموعه‌ی شعری آيينه‌ای برای صداها و هزاره‌ی دوم آهوی کوهی استخراج کرده و سپس به طبقه‌بندی و تحلیل آنها پرداخته‌ایم تا از این رهگذر بخشی از وجوه زیبایی و نوآوری‌های شعری و نیز گرایش فکری و تا حدودی ویژگی سبکی شعر وی آشکار شود.

تحلیل تشبیه‌ها

بنا بر جستجوی ما در دو مجموعه‌ی شعری آيينه‌ای برای صداها و هزاره‌ی دوم آهوی کوهی که شامل دوازده دفتر شعری ست، ۴۵۶ تشبیه یافته شد. در زیر این تشبیه‌ها را از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی و با ذکر آمار دقیق آنها را تحلیل می‌کنیم:

۱- طبقه‌بندی تشبیه‌ها

۱-۱- انواع تشبیه از نظر ساختمان:

تشبیه‌ها را از نظر ساختمان دو دسته می‌شوند: یکی تشبیه‌های که طرفین آنها به صورت مضاف و مضاف‌الیه می‌آیند که آنها را فشرده می‌نامیم. دوّم تشبیه‌های که طرفین آنها به صورت اضافی نیامده‌اند و گاهی ارکان دیگر تشبیه هم در آنها ذکر شده است و از آنها به عنوان تشبیه گسترده نام می‌بریم. در میان تشبیه‌ها شعر شفيعی ۳۶۲ تشبیه فشرده و ۹۴ تشبیه گسترده یافته شده است. تشبیه‌ها فشرده از ارزش هنری بالاتری برخوردارند چرا که حذف ادات و وجه‌شبه منجر به تلاش ذهنی خواننده برای کشف وجه‌شبه می‌شود و گاه خواننده با توجه به ذهنیت خود وجه‌شبهی می‌یابد که حتی به ذهن شاعر هم نرسیده است و به این شکل خواننده هم در فرایند آفرینش اثر هنری سهیم می‌شود و از آن لذت بیشتری

با لکه‌های ابر سپیدت که شامگاه / آیند بر کرانه‌ی دشت افق فرود / چون سوسنی
سپید که پرپر شود ز باد/ بر موج‌های ساحل دریاچه‌ای کبود (آئینه: ۹۸) مجموعه‌ی
لکه‌های ابر سفید در شامگاه در افق به سوسن‌های سپیدی تشبیه شده‌اند که بر موج‌های
ساحل دریاچه‌ای کبود پرپر شوند.

سوی اشکم نگهت گرم خرامید و چه زیباست / آهوی وحشی و در چشمه‌ی
روشن نگرستن (آئینه: ۳۷۰) این جا گرایش نگاه معشوق به اشک عاشق به آهویی
وحشی تشبیه شده که به چشمه‌ای روشن می‌نگرد.

۱-۲-۴- مرکب به مفرد: نمونه‌ای در شعر شفیعی پیدا نشد.

۱-۳- تشبیه‌ها از نظر طرفین تشبیه:

هر کدام از طرفین تشبیه ممکن است یک امر حسی یا عقلی باشد بر این اساس
تشبیه‌ها چهار دسته می‌شوند: حسی به حسی، حسی به عقلی، عقلی به حسی و عقلی
به عقلی. آمار تشبیه‌ها شعر شفیعی از نظر طرفین تشبیه در جدول زیر نشان داده
می‌شود:

انواع تشبیه از نظر طرفین	محسوس به محسوس	معقول به محسوس	معقول به معقول	محسوس به معقول
تعداد	۲۴۴	۱۹۹	۴	۸

با استناد به این آمار ۵۳/۶٪ از مجموع تشبیه‌ها محسوس به محسوس، ۴۳/۷٪
معقول به محسوس، ۰/۸٪ معقول به معقول و ۱/۷٪ محسوس به معقول است. طبق
این آمار باید گفت فراوانی تشبیه‌ها محسوس به محسوس بی‌ارتباط با طبیعت‌گرایی
در شعرشان نیست. ۹۹ مورد از این تشبیه‌ها مشبه‌شان و ۱۸ مورد طرفین‌شان از
پدیده‌های طبیعت است که همگی از امور محسوس به شمار می‌آیند.

گونه تقسیم‌بندی برای شعر کلاسیک مناسب باشد که واحد شعر در آن بیت است و در شعر نو با توجه به تغییر ساختار شعر جایگاهی ندارد. با وجود این در بخش‌هایی از بعضی شعرهای شفیعی چند تشبیه پی‌درپی آمده که به تشبیه‌ها مفروق نزدیک است؛ مانند: آینه‌ی نگاهت پیوند صبح و ساحل / لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره باران (آینه: ۳۶۵) در مصراع اول نگاه معشوق به پیوند صبح و ساحل، و در مصراع دوم لبخندش به صبح تشبیه شده است.

کیست در آنجا کنار چشمه که خود را / از گره موج می‌گشاید تصویر / موی سپیدش: غبار لشکر ایام / ذهنش: آینه‌ای موازی شبگیر (آینه: ۴۶۳) در این شعر هم ابتدا تشبیه موی سپید به غبار لشکر غم و سپس تشبیه ذهن به آینه‌ی موازی شبگیر آمده است.

۱-۸- تشبیه خیالی:

تشبیهی که «مشبه به آن امری غیر موجود و غیر واقعی ست که حداقل مرکب از دو جزء است اما تک تک اجزای آن حسی و موجودند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۷۹) نمونه‌های معدودی از این گونه تشبیه در شعر شفیعی دیده می‌شود؛ مانند: رخس رویین غرور (آینه: ۱۱۰) که مشبه به رخس رویین خیالی است. مرغ عقیقین بال زرین پیکر آتش (آینه: ۱۲۴) مرغی که بالش از عقیق باشد وجود خارجی ندارد. باران ابریشمین نگاهت (آینه: ۱۲۶) بارانی از ابریشم وجود خارجی ندارد.

بعضی دیگر انواع تشبیه مانند: تشبیه مشروط، مقلوب، تفضیل و تمثیل در شعر شفیعی دیده نشد.

۲- حوزه‌ی معنایی مشابه‌ها:

تشبیه اغلب پیوندی ست بین ذهن و عین. شاعر برای آنچه در ذهن دارد مشابهی از عالم عین انتخاب می‌کند و در برابر آن می‌گذارد. واژه‌ای که از نظام گسترده‌ی زبان انتخاب می‌شود و در جایگاه مشبه‌به قرار می‌گیرد، می‌تواند بیان‌گر نگرش، باورها، پایگاه اجتماعی و علایق شاعر باشد که مستقیم به آنها اشاره‌ای نکرده است و از شاخص‌های سبکی شاعر محسوب می‌شود چرا که طبق دیدگاه زبان‌شناسان «سبک محصول‌گزینش خاصی از واژه‌ها و تعابیر و عبارات است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۳) ما در زیر مشابه‌های شعر شفيعی را از نظر حوزه معنایی طبقه‌بندی می‌کنیم تا بینیم بیشتر مربوط به کدام حوزه‌اند و از این طریق بتوانیم رابطه‌ای بین نگاه و اندیشه‌ی شاعر و مشابه‌ها را پیدا کنیم. ابتدا مشابه‌های هر دفتر را که بر اساس موضوعاتی هشتگانه طبقه‌بندی کرده‌ایم، می‌آوریم و سپس به نتیجه‌گیری می‌پردازیم:

حوزه‌ی معنایی	طبیعت	زندگی و جامعه‌ی امروز	امور انتزاعی	جانوران و حیوانات	زندگی و تمدن سنتی	برندگان	امور مذهبی	اصطلاحات علمی و ادبی
دفتر اول	۳۴	۰	۲	۱	۸	۳	۲	۰
دوم	۲۸	۰	۰	۱	۸	۰	۱	۰
سوم	۱۰	۱	۰	۰	۱	۰	۳	۵
چهارم	۱۵	۰	۰	۰	۳	۱	۰	۰
پنجم	۷	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۱
ششم	۶	۰	۰	۴	۱	۰	۰	۱
هفتم	۸	۰	۰	۲	۲	۰	۰	۰
هشتم	۱۰	۰	۱	۰	۲	۰	۲	۲
نهم	۷	۰	۰	۰	۱	۳	۰	۱
دهم	۱۳	۳	۰	۰	۸	۱	۰	۱
یازدهم	۱	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰
دوازدهم	۶	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۴
مجموع	۱۴۵	۶	۳	۷	۳۹	۸	۸	۱۵

بررسی مشابه‌ها از نظر معنایی نشان می‌دهد که بیشترین مشابه‌ها مربوط به حوزه‌ی طبیعت و بعد از آن مربوط به حوزه‌ی زندگی و تمدن سنتی و کهن است.

بسامد بالای مشبه‌به‌ها در این دو حوزه معنی‌دار است. طبیعت در شعر شفیعی نمودی پر رنگ و گسترده دارد. عناصر و پدیده‌های گوناگون همچون: ابر، دریا، کوه، باد، باران، رود، تندر و طوفان، درخت، ستاره و ماه و مهتاب، صبح، گنجشک و سیره و سار، شقایق و آفتاب‌گردان و... در آن نقش‌آفرینی می‌کنند. گاه نمادهایی می‌شوند تا پرده از بیداد و تبه‌کاری‌های بشری بردارند و آلام و دردهای انسان را واگو کنند. گاه به مدد نیروی خیال شاعر طبیعتی دیگر را در آئینه‌ی شعر به نمایش می‌گذارند و انسان درمانده در جامعه‌ی صنعتی و به دور مانده از طبیعت را دوباره به بازگشت به دامن طبیعت فرا می‌خوانند و گاهی هم انسان و طبیعت به هم پیوند می‌خورند. در شعر شفیعی «انسان و طبیعت از هم جدا نیستند. صفاتشان هم‌گون است. جامعه‌ی طبیعت بر قامت انسان و جامعه‌ی انسان بر قامت طبیعت می‌زید. گاه انسان باران است و طبیعت آفتاب و گاه به گونه‌ی وارون» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۵۷۵) نکته‌ی دیگر این که اگر بپذیریم که مثلث هویت شعر شفیعی را «تاریخ و فرهنگ‌گرایی، انسان‌گرایی و طبیعت‌گرایی» (پیشین: ۵۷۹) تشکیل می‌دهد، طبیعت جایگاه ویژه‌ای در ذهن و اندیشه‌ی شاعر دارد. فراوانی مشبه‌به‌های مربوط به طبیعت هم نمودی از همین اندیشه‌ی طبیعت‌گرایی شفیعی است.

فراوانی مشبه‌به‌های مربوط به زندگی و تمدن سنتی هم با ضلع دیگر هویت شعر شفیعی یعنی «تاریخ و فرهنگ‌گرایی» ارتباط دارد. بنا به گزارش تألیفات و پژوهش‌ها، شفیعی دل‌بسته‌ی تاریخ و فرهنگ کهن ایران بویژه آثار ادبی و عرفانی است. این علاقه‌مندی در شعرش به شکل‌های مختلف همچون اقتباس مضمون، تضمین بیت یا مصراع، تصویرهای شعری و... (بهمنی مطلق، ۱۳۹۲) نمود یافته‌است. مشبه‌به‌هایی مانند: چرخشست، مجمره، مجری، خرّقه، دستار، سبو، رخس رویین، چاووش، قلعه، دریچه، هودج، جام، شهربند، سرمنزل، شهسوار و... که از زبان کهن فارسی انتخاب شده و

مربوط به زندگی سنتی ست، نشان دهنده‌ی این سلیقه و گرایش فکری شفیعی است.

۳- جانب موسیقایی تشبیه‌ها:

یکی از ویژگی‌های تشبیه‌ها شفیعی کدکنی رعایت وجه موسیقایی آنهاست. همچنان که وی در مباحث نظری، موسیقی یا آهنگ در معنای عامش را یکی از ضروریات شعر می‌داند و معتقد است «شعر گره‌خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۸۶) در عمل هم به رعایت جانب موسیقایی شعر سخت پایبند است و نه تنها به وزن و قافیه اکتفا نمی‌کند و به شعر بی‌وزن اعتقادی ندارد، بلکه سعی می‌کند که تا حد امکان جانب موسیقایی درونی را هم لحاظ کند. نمود این مقوله‌ی هنری در شعر شفیعی به حدی است که شگردهای مختلف موسیقی‌افزایی مانند واج‌آرایی، سجع، جناس و تکرار، یک ویژگی سبکی وی به شمار می‌آید. از میان ۴۵۶ تشبیهی که از دوازده دفتر شعری استخراج شده، در ۵۴ مورد بین طرفین تشبیه تناسب لفظی رعایت شده است. رعایت جنبه‌ی موسیقایی بین لفظ مشابه و مشابه‌به باعث می‌شود تا هماهنگی آن دو بیشتر شود؛ یعنی هر چند شاعر ادعا کرده است که مشبه از جهت تشبیه و مانند مشبه‌به است، نزدیکی در لفظ به شکل‌های واج‌آرایی، جناس و سجع، علاوه بر افزایش موسیقی، همانندی و شباهت بین طرفین تشبیه را هم افزایش می‌دهد و در بعضی موارد که تشبیه با لفظ دیگری در شعر فارسی سابقه داشته و تکراری و کلیشه‌ای شده است، به مدد این شیوه نو و تازه گردیده؛ به طور مثال تشبیه «سلسله‌ی زمان» در شعر فارسی سابقه دارد اما وقتی شفیعی به جای «سلسله» واژه‌ی «زنجیره» را به کار می‌برد و تشبیه «زنجیره‌ی زمان» (آیین: ۲۸۲) را می‌سازد، علاوه بر این که با تکرار واج «ز» و «ن» بر موسیقی کلام می‌افزاید به تشبیه تازگی هم می‌بخشد. شکل‌های مختلف این تکرارها را می‌توان در دسته‌های زیر مشاهده کرد:

در شعرش جایگاه ویژه‌ای دارد و به گونه‌های مختلف نمود یافته است. نمود این طبیعت‌گرایی را می‌توان در شکل‌های «۱- توصیف شاعرانه‌ی طبیعت ۲- شخصیت‌بخشی به عناصر طبیعت ۳- سمبلیک کردن طبیعت و عناصر طبیعی ۴- از بین بردن فاصله‌ی میان انسان - شاعر با طبیعت» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۵۷۴) مشاهده کرد. عنصر غالب در تشبیه‌ها شفیعی طبیعت است از میان ۴۵۶ تشبیه در ساختمان ۲۳۲ تشبیه در جایگاه مشبه یا مشبه‌به یا گاهی در هر دو جایگاه از پدیده‌های طبیعت استفاده شده است. جلوه‌های گوناگون طبیعت علاوه بر این که موجد تصویرهای زنده و جذاب شده، از نظر زبان و معنی هم به شعر غنی و گسترده‌گی بخشیده است. این تشبیه‌ها را با توجه به این که عنصر طبیعت در کدام جایگاه آمده باشد به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

۴-۱- تشبیه‌های که مشبه آنها از عناصر طبیعت است:

این‌گونه تشبیه‌ها به طور معمول در شعرهایی دیده می‌شود که شاعر به توصیف طبیعت پرداخته است. شاعر به مدد این تشبیه‌ها تصاویر زیبایی از پدیده‌های طبیعت ارائه کرده است. پدیده‌های توصیف شده در این تشبیه‌ها عبارتند از: ۱- پدیده‌های آسمانی؛ مانند: ابر، ستاره، رعد و برق، سپیده، شهاب، شفق، ستاره، آسمان، صائقه، هلال، آذرخش، تگرگ، سپهر، کهکشان، تندر، برف، ذوذنوب. ۲- گیاهان: برگ، درخت خشک کج، خار، لاله، درخت صنوبر، گل‌های ساده مریم، شکوفه، درخت پر شکوفه، سبزه، گل آفتاب‌گردان، سرشاخه‌ها، باغ، نار سبز سرشاخه‌ها، نفس‌کشیدن گیاه، صنوبران ۳- پدیده‌های مربوط به دریا و رودخانه: موج، مرجان، جوی، رود، جویباران، نسیم و آب و جویبار ۴- باد و طوفان: باد، نسیم، طوفان، تند باد، باد، نسیم، گردباد.

۲-۴- تشبیه‌های که مشبه به آنها از عناصر طبیعت است:

در این تشبیه‌ها به طور معمول یک امر معقول و گاه پدیده‌ای محسوس به یک عنصر طبیعی تشبیه شده است. انتخاب پدیده‌ی طبیعی در جایگاه مشبه به برای آن است تا مشبه که امری انتزاعی و غیر محسوس است، حسی و قابل تصور و تجسم جلوه کند. مشبه به‌ها را با توجه به حوزه‌ی معنایی‌شان می‌توان در این دسته‌ها جای داد: ۱- پدیده‌های آسمانی: خنده‌ی مهتاب، آینه‌ی خورشید، گریز باران از دره به صحرا، آسمان، هلال، خورشید، میغ، رنگین کمان، خورشید، ابر، باران، آسمان تنگ، آذرخش ۲- پدیده‌های مربوط به دریا و رودخانه: رقص ماهی و پیچ و تاب آن، صدف خالی افتاده به ساحل، گهر، گرداب، موج، دریا، ساحل، رودخانه، شط، خزه‌ی سبز لطیف، برکه، مردابک، چشمه‌ی روشن و آهوی وحشی، چشمه‌ی جوشان، سه رود، لجن، چشمه ۳- گل و گیاهان: باغ (۱۰ مورد)، دشت (۵ مورد)، کشتزار، صحرا، گل شن، گل، بوستان، گلبرگ، چمنزار، گل‌های سپید و روشن، جنگل، صحاری، کوچه باغ، مزرع، سبزه‌زار مخمل، باغ پر صنوبر، شبدرد، درخت، باغی پر از شقایق و مینا و لادن ۴- باد و طوفان: باد صبح، باد، نسیم، تندباد،

۳-۴- تشبیه‌های که طرفین آنها از عناصر طبیعت است:

این تشبیه‌ها اغلب به قصد توصیف طبیعت ساخته شده و به کمک آنها تصاویر زیبایی از طبیعت ارائه شده است؛ به طور مثال در شعر «زادگاه من» که به توصیف روستای زادگاهش پرداخته می‌گوید: «با لکه‌های ابر سپید که شامگاه / آیند بر کرانه‌ی دشت افق فرود / چون سوسنی سپید که پرپر شود ز باد / بر موج‌های ساحل دریاچه‌ای کبود» (آئینه: ۹۸)، ابرهای سفیدی که در پهنه‌ی افق هنگام شام پراکنده‌اند، تشبیه شده‌اند به برگ‌های سوسن سفیدی که

باد آنها را پرپر کرده و بر روی موج‌های دریاچه‌ای کبودرنگ پراکنده‌است. با این تشبیه تصویری زیبا از یک صحنه‌ی طبیعت ارائه شده‌است. این تشبیه‌ها غالباً در شعرهایی دیده می‌شود که به توصیف طبیعت اختصاص دارند مانند: زادگاه من (آئینه: ۹۶)، باغ خودرو (آئینه: ۱۰۵)، در نور گل‌های مهتاب‌گون اقاقی (آئینه: ۱۲۶)، در اقلیم بهار ۳ (آئینه: ۳۵۷)، شب خرابی (هزاره: ۹۸)، مثل نقاشی کودکان (هزاره: ۲۶۳)، طاووسی امید (هزاره: ۲۶۵)، حضور (هزاره: ۲۷۲)، باغ انار (هزاره: ۳۷۲)، ابرکبود (هزاره: ۴۷۶). از این تشبیه‌ها به نمونه‌های زیر می‌توان اشاره کرد:

ابر در آبی صبح - قاصدک برکاسنی‌زار (آئینه: ۱۰۵)، ستارگان - گلبرگ (آئینه: ۱۲۷)، ستاره ناهید - برگ (آئینه: ۱۸۱)، شفق - باغ سرخ (آئینه: ۲۱۴)، نیماب تگرگی بر سبزه - هاله‌ای گرد ماه (آئینه: ۳۵۷)، شن-شط روان (هزاره: ۱۹)، گل‌های اقاقی - مهتاب (آئینه: ۱۲۷)، بوت‌هی طاووسی امید-طاووسی که صبح چتر بگشاید (هزاره: ۲۶۵)، گلنارهای قرمز و سبز برگ‌ها - یاقوت سرخ بر زیرجد سیال (هزاره: ۳۷۲)

۵- تشبیه‌ها تکراری و مبتذل:

منظور تشبیه‌های است که در شعر فارسی رایج بوده و شاعران در دوره‌های مختلف از آنها استفاده کرده‌اند از همین روی کهنه و مستعمل‌اند و رابطه‌ی بین دو طرف تشبیه لو رفته و مخاطب برای کشف وجه‌شبه نیاز به هیچ تلاش ذهنی ندارد و به تبع آن لذتی هم از آن نمی‌برد. این تشبیه‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

۱-۵- تشبیه‌های که در شعر فارسی سابقه داشته‌اند و به طور عینی در شعر شفيعی تکرار شده‌اند. هر چند نمونه‌ی مشابه این تشبیه‌ها در شعر شاعران دوره‌های مختلف دیده می‌شود اما فراوانی این نمونه‌ها در شعر بعضی شاعران مانند شاعران سبک هندی

- علت تازگی و شگردی که منجر به نو شدن آنها شده در دسته‌های زیر می‌آوریم:
- ۱-۶- آنهایی که در شعر فارسی بی‌سابقه‌اند. دامنه‌ی جست و جوی ما برای یافتن نمونه‌های مشابه شعر شاعرانی است که در نرم‌افزار رایانه‌ای دُرُج ثبت شده است.
- ۲-۶- تشبیه‌ها مبتدلی که با دخل و تصرف شاعر و افزودن قیدی یا صفتی تازه می‌نمایند؛ مانند «باران ابریشمین نگاه» در شعر: در زیر باران ابریشمین نگاهت / بار دگرای گل سایه‌رست چمنزار تنهایی من / چون جلگه‌ای سبز و شاداب گشتم (آیین: ۱۲۶). آوردن صفت ابریشمین برای مشبهه تازگی به آن بخشیده است و گر نه این تشبیه بدون این صفت در شعر فارسی آمده است: ای که داری چون هدف ذوق لباس سرخ و زرد / تیر باران نگاه خلق را آماده باش (صائب)
- ۳-۶- تشبیه‌های که شاعر بین یک مشبه و مشبه‌به تکراری رابطه‌ای جدید کشف کرده یعنی طرفین تشبیه تکراری است اما وجه‌شبه تازه و نو است؛ مانند: در خویش سفر می‌کنم از خویش چو دریا / دیوانه‌ی دیدار حریم دل خویشم (آیین: ۸۷). هر چند تشبیه شخص به دریا تکراری است اما وجه‌شبه تازگی دارد شاعر بین مشبه و مشبه‌به رابطه‌ی جدیدی کشف کرده است، خود را همچون دریا می‌بیند که از خویش و در خویش سفر می‌کند.
- ۴-۶- تشبیه‌های که با یکی از صنایع ادبی دیگر مانند واج‌آرایی، حس‌آمیزی و... همراه شده‌اند و از ارزش هنری خاصی برخوردارند:
- ۱-۴-۶- تشبیه و واج‌آرایی: بسامد واج‌آرایی در شعر شفیع‌ی کدکنی بالاست تا حدی که یکی از ویژگی‌های سبکی شعرش به شمار می‌آید. وی در انتخاب الفاظ مشبه و مشبه‌به نهایت دقت و وسواس را به خرج می‌دهد تا الفاظ به گونه‌ای انتخاب شوند که جانب موسیقایی آنها رعایت شود. بنابراین در بسیاری از تشبیه‌ها واج‌آرایی هم لحاظ شده که هم بر غنای موسیقایی شعر افزوده و هم به تشبیه زیبایی و تازگی بخشیده

زندگی. همچنین «جامد» دو معنی دارد: ۱- اصطلاح دستوری ۲- با توجه به «سنگ» معنی ماده‌ای که مایع یا گاز نباشد.

۶-۴-۴- تشبیه و تجاهل العارف: تشبیه وقتی با تجاهل العارف همراه می‌شود منجر به اغراق در شباهت و همانندی مشبه و مشبه‌به می‌گردد به گونه‌ای که شاعر ادعا می‌کند آنها را از هم نمی‌تواند بازشناسد. جالب‌تر این که این ادعا از طریق یک پرسش بلاغی بیان می‌شود و شاعر به طور مستقیم هیچ حرفی از تشبیه به میان نمی‌آورد و به اصطلاح از تشبیه مضمر استفاده می‌کند که خود این امر بر ارزش زیباشناسی شعر می‌افزاید. در نمونه‌های زیر شاعر نمی‌گوید تگرگ بر سبزه مانند هاله‌ی گرد ماه است یا تیک‌وتاک ساعت زیر سر مانند صدای چشمه‌ی جوشانی ست که قطره قطره به مرداب فروچکد، بلکه می‌گوید من نمی‌دانم این است یا آن. ولی ما از طریق این که تفاوت این دو پدیده خیلی آشکار است و چندان دشوار نیست که از حد دریافت و تشخیص شاعر خارج باشد، در می‌یابیم که شاعر خود را به نادانی زده است تا در مشابهت آنها اغراق کند:

۱- نیماب تگرگی است بر به سبزه / یا هاله گرفته است گرد مه را؟ (آیین: ۳۵۷)
۲- این تیک و تاک ساعت مچ‌بند زیر سر / یا این صدای چشمه‌ی جوشان عمر توست / کاین‌گونه قطره قطره به مرداب می‌چکد؟ (آیین: ۴۸۱)

۶-۴-۵- تشبیه‌های که طرفین تشبیه یا یکی از آن دو از امور مربوط به زندگی و جامعه‌ی امروز یا واژگان زبان امروز است؛ مانند: جلگه (آیین: ۱۲۶)، فلزی (آیین: ۱۴۴)، پستانک (آیین: ۱۷۷)، شاعر دیروز و مخاطبش - دو واژه به یک معنی (آیین: ۲۰۹)، اسفالت (آیین: ۳۵۲)، واج (آیین: ۴۶۲)، نثر ساده (آیین: ۴۶۴)، شبدر (آیین: ۴۶۲)، زن جره (آیین: ۴۸۰)، همهمه (آیین: ۴۹۱)، واژه (آیین: ۴۹۱)، چهلچراغ (هزاره: ۱۱۱)، قاره (هزاره: ۱۹۴)، گاری (هزاره: ۲۱۱)، چراغ قرمز (هزاره: ۲۱۱)، گرد سوز (هزاره: ۲۶۹)،

از تشبیه‌های ست که نو و تازه‌اند و شاعر باید وجه‌شبه را بیاورد تا تشبیه توجیه‌پذیر باشد و یا از مواردی ست که وجوه‌شبه متعدد و متنوع است و شاعر وجه‌شبه خاصی را در نظر دارد یا این که شاعر وجه‌شبهی تازه یافته که زیبایی تشبیه در آن است.

۴- بررسی مشبه‌به‌ها از نظر معنایی نشان می‌دهد که بیشترین مشبه‌به‌ها مربوط به حوزه‌ی طبیعت و بعد از آن مربوط به حوزه‌ی زندگی و تمدن سنتی و کهن است. بسامد بالای مشبه‌به‌ها در این دو حوزه معنی‌دار است. طبیعت جایگاه ویژه‌ای در ذهن و اندیشه‌ی شفיעی دارد و یکی از سه ضلع مثلث هویت شعری وی را تشکیل می‌دهد. فراوانی مشبه‌به‌های مربوط به طبیعت نمودی از همین اندیشه‌ی طبیعت‌گرایی شفיעی است. فراوانی مشبه‌به‌های مربوط به زندگی و تمدن سنتی هم با ضلع «تاریخ و فرهنگ‌گرایی» مثلث هویت شعر شفיעی ارتباط دارد. بنا به گزارش تالیفات و پژوهش‌ها و محتوای بسیاری از شعرها، شفיעی دل‌بسته‌ی تاریخ و فرهنگ کهن ایران بویژه آثار ادبی و عرفانی است. یکی از نمودهای این دل‌بستگی فراوانی همین مشبه‌به‌هاست که در واژه‌هایی مانند: چرخشت، مِجره، مِجرى، خرقه، دستار، سبو، رخس رویین که از زبان کهن فارسی انتخاب شده و مربوط به زندگی سنتی ست، نمود یافته است ۵- یکی از ویژگی‌های تشبیه‌ها شفיעی کدکنی رعایت وجه موسیقایی آنهاست. از میان ۴۵۶ تشبیه در ۵۴ مورد بین طرفین تشبیه تناسب لفظی رعایت شده است. نمود این مقوله‌ی هنری در شعر شفיעی به حدی است که شگردهای مختلف موسیقی‌افزایی مانند واج‌آرایی، سجع، جناس و تکرار، یک ویژگی سبکی وی به شمار می‌آید. ۶- عنصر غالب در تشبیه‌ها شفיעی طبیعت است از میان ۴۵۶ تشبیه در ساختمان ۲۳۲ تشبیه در جایگاه مشبه یا مشبه‌به یا گاهی در هر دو جایگاه از پدیده‌های طبیعت استفاده شده‌است. جلوه‌های گوناگون طبیعت علاوه بر این که موجد تصویرهای زنده و جذاب شده، از نظر زبان و معنی هم به شعر غنی و

گسترده‌تری بخشیده است ۷- بررسی تشبیه‌ها تکراری شعر شفیعی و مقایسه آنها با شعر شاعران گذشته نشان می‌دهد بالاترین آمار به ترتیب بسامد از آن صائب (۱۹ مورد)، بیدل (۱۵ مورد) و خاقانی (۹ مورد) است و از طرفی با توجه به این که از میان این ۸۳ تشبیه، ۵۷ مورد آن در مجموعه‌ی آینه‌ای برای صداها آمده که از نظر زمانی نسبت به مجموعه‌ی هزاره‌ی دوّم آهوی کوهی مقدّم است، نتیجه می‌گیریم که شفیعی در شعرهای دفترهای اوّل بیشتر تحت تأثیر شاعران سبک هندی بویژه صائب و بیدل بوده است ۸- تشبیه‌ها نو شفیعی به طور معمول با یکی از صنایع بدیعی مانند واج‌آرایی، ایهام و حس‌آمیزی همراه است یا تشبیهی مستعمل است که با تصرفی نو شده است ۹- بر خلاف شعر سنتی که به طور معمول تصاویر پراکنده و نامنسجم‌اند، در شعر شفیعی تشبیه‌ها منسجم و هماهنگ‌اند. اجزای تشبیه از یک حوزه‌ی معنایی یا از حوزه‌هایی نزدیک به هم انتخاب شده‌اند این امر علاوه بر این که بر زیبایی شعر می‌افزاید به انسجام و یک‌پارچگی ساختمان شعر هم کمک می‌کند.

فهرست منابع

- ۱- براهنی، رضا (۱۳۷۱) طلا در مس، ۳، تهران: ناشر نویسنده.
- ۲- بهمنی مطلق، حجت‌الله (۱۳۹۲) «بازتاب میراث صوفیه در شعر شفيعی کدکنی»، مجموعه مقالات هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، دانشگاه زنجان، شهریورماه ۱۳۹۲.
- ۳- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۴) سفر در مه، تهران: زمستان.
- ۴- زرقانی، مهدی (۱۳۸۳) چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- ۵- شفيعی کدکنی محمدرضا (۱۳۶۶)، شاعر آینه‌ها، تهران: آگاه.
- ۶- ----- (۱۳۶۸)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- ۷- ----- (۱۳۷۶)، هزاره‌ی دوّم آهوی کوهی، تهران: سخن.
- ۸- ----- (۱۳۷۹)، آینه‌ای برای صداها، تهران: سخن.
- ۹- ----- (۱۳۸۲)، ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.
- ۱۰- ----- (۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیانه، تهران: سخن.
- ۱۱- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶) بیان، تهران: فردوس.
- ۱۲- ----- (۱۳۷۸) کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس.
- ۱۳- فتوحی، محمود (۱۳۸۶) بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- ۱۴- عطار نیشابوری (۱۳۸۸) تذکره‌الاولیا، تصحیح نیکلسون تهران: هرمس.